

### محمد باقر سمیرمی

از آن هنگام که در اواخر عصر صفوی رگه‌هایی از نقاشی اروپا در پیکره نگاره‌های ایرانی خودنمایی کرد تا زمان زندیه و قاجاریه که به شیوه گسترده‌تری این موضوع ادامه یافت دل‌بستگی به مناظر طبیعی و قیافه‌های اصیل اروپایی موجب آن شد که نگارگران ایرانی به این سبک روی آورند و کم‌کم به سبک اروپایی گرایش پیدا کنند.

از سال‌های پایانی سلطنت نادرشاه افشار با ظهور ابدال بیک و علی فرزند او و علی‌اشرف و آق‌صادق و دیگران مینیاتور به پیروی از محمدزمان اول (۱۱۶۰ هـ ق) با گرفتن الگو و الهام از نگاره‌های اروپایی جای خود را به مکتب موسوم به ایرانی سازی داد و سبکی به وجود آمد که در عین جدایی از مینیاتور از چاشنی لطافت و ریزه‌کاری‌های آن بی‌بهره نبود. بعداً پیروی از شیوه‌های فرنگی به شکل متنوع رونق پیدا کرد و در دیوارنگاری و صورت‌سازی و پیکرنگاری و کتاب‌آرایی خود را نشان داد.

پیکرنگاران برجسته‌ای از قبیل مهرعلی و سیدمیرزا و عده‌ای دیگر از فتح‌علی شاه پیکرهای نشست‌ه و ایستاده می‌ساختند که نه تنها مطبوع خود شاه بود بلکه جنبه عمومی داشت. تک‌چهره‌ها نیز کاملاً موفق بود که یکی از آنها را احمد نقاش کشیده بود.

نقاشان ایرانی از آغاز نزدیک شدن به مکتب اروپایی نسبت به منظره‌سازی هم

افزون بر تصاویر موجودات علاقه داشتند و قلمدان نگارها برای جلوه دادن به کارهای خود از منظره سازی چشم پوشی نمی کردند.

یکی از نقاشان ایرانی اواخر دوره زندیه و اوایل قاجار «رجبعلی اصفهانی» است که تابلوهایی از چهره بزرگان عرفان و شخصیت های مذهبی می ساخته و در کنار تصویر یک منظره زیبا به معرض تماشای بینندگان قرار می داده است. رقم او در کنار تابلوهایش این بوده «صنع کلک رجبعلی ز علی است» یا «رجبعلی نبود ملتجی به غیر علی» علاوه بر این یکی دیگر از جمله استادانی که بسیار به منظره سازی دلبستگی داشته «محمودخان ملک الشعرا» است که قسمت عمده ای از قلمدان های کار او نمایش یک منظره زیبا و دلپسند است.

صنیع الملک نیز پس از رفتن به اروپا و اشتغال به مشق نقاشی اروپا اصول نقاشی فرنگی را فرا گرفت و به صورت سازی و منظره پردازی پرداخت و می توان گفت پس از کمال الملک درین مورد سنگ تمام گذاشته ولی کارهای او از موضوع های بومی الهام می گرفته است؛ پیش از عصر ناصری از منظره سازی کمتر تابلو دیده شده است ولی درین دوره می توان از محمداسماعیل نقاشباشی نام برد که در جنگ هرات منظره شهر را بسیار استادانه ساخته است؛ در زمان ناصرالدین شاه چند تن نگارگر برجسته در تصویرسازی و منظره پردازی بودند که از آن جمله اند «اسماعیل جلایر»، «محمودخان ملک الشعرا» و «علی اکبرخان مزین الدوله».

باری محمداقبر سمیرمی نیز که از معاصران «صنیع الملک» و «کمال الملک» است در زمینه چهره نگاری و منظره سازی به همان سبک کارهای ارجمند و شاهکارهای بی بدیل ساخته است؛ وی سعی کرده که مناظر بومی را به ترسیم کشد و در صورت سازی چهره بزرگان زمان خود را به نگارش آورد.

محمداقبر سمیرمی فرزند حاج ملاعلی اصغر بوده که از علوم دینی برخوردار بوده و بسیاری از سوره های قرآن مجید را در حافظه داشته مادرش به نام ملاشرف نیز از زنان بافضل و کمال زمان خود بوده است. وی در شهر «دهنو» از توابع سمیرم

متولد شده و از کودکی استعداد فزونمایه‌ای در نقاشی داشته است. وی بدون آنکه مدت زمانی در نزد استادان عصر به فرا گرفتن فنون نگارگری مشغول گردد با روی آوردن به طبیعت و ملاحظه کنجکاوانه در آثار نقاشی استادان گذشته و همزمان خود با یاری استعداد سرشار خداداد به تدریج درین هنر شریف ترقی چشمگیر حاصل کرده و آفرین هنردوستان و هنرشناسان را به دست آورده است.

او در ضمن تمرینات هنری و آفریدن آثار گرانمایه در نگارگری به کار کشاورزی که شغل خاندانی او بوده نیز اشتغال می‌ورزیده و مدتی هم برای فراگرفتن علوم دینی به طلبگی پرداخته است افزون بر این‌ها به شعر و شاعری هم دلبستگی داشته و در انجمن ادبی روانشاد «شیدای کرونی» شرکت می‌کرده ولی درین هنر توفیقی نیافته است. سمیرمی در هنر نقاشی در سه فن استادی تمام عیار خود را نشان داده است.

#### ۱- چهره‌پردازی:

در چهره‌پردازی سمیرمی به حدی مهارت داشته که بیننده را به شگفتی می‌اندازد و چنان می‌نماید که یک عکاس زبردست و هنرمند با دقت چهره شخصی را عکاسی کرده است با این تفاوت که سمیرمی آثار جاندار بودن را در چهره شخص نمایان تر نشان می‌دهد. چهره‌ای که از «حاج محمدعلیخان برومند» دانی پدرم کشیده است و من در کودکی مکرر ایشان را دیده بودم آن چنان جذاب بود که گویی زنده آن مرحوم را می‌بینم.

این اثر زنده بودن مخصوصاً در چشمان صاحب تصویر کاری نمایان است. علاوه بر این در ساختن پوشش اشخاص جزئیات به گونه‌ای است که چین و چروک‌ها و رنگ لباس درست همان‌طور است که در تصویر شخص عیناً مشاهده می‌شود.

#### ۲- قلمدان نگاری:

در قلمدان نگاری هم شگرد خاص و منحصر این نقاش بزرگ و سلیقه ویژه او

و ظرافت کارش موجب امتیاز خاص وی در بین استادان دیگر شده و چون کارش ابتکاری و دور از تقلید بوده همواره خواستاران فراوانی را به خود جلب کرده است. وجود قلمدان‌های سمیرمی در هر کلکسیون‌ی از قلمدان، بر اهمیت آن می‌افزوده و در بین دیگر قلمدان‌ها شاخصیتی ویژه داشته است. وی در انتخاب قلمدان ساده نخست استواری و استحکام بدنه آن را مورد نظر قرار می‌دهد و نقشبندی او چنانست که یک تابلو از قیافه یک یا چند تن انسان را در وسط سطح قلمدان می‌کشد و در پایین و بالای آن منظره‌ای را نشان می‌دهد که یک طوطی رنگین پر و بال بر روی شاخه‌ای از درخت نشسته و سرخی شفق به نحو دلپذیری منظره را آراسته است دو طرف جانبی قلمدان اکثر منظره جنگل یا صحرا را می‌نمایاند که یک شیر یا دو شیر و چند گاو و آهو و منظره چوپانی در آنها ترسیم گردیده است.

### ۳- منظره پردازي:

چون زادگاه سمیرمی دارای مناظر طبیعی زیبا بوده است این استاد بزرگ از کودکی با این مناظر آشنایی یافته و دل‌باخته آنها گردیده است بنابراین وقتی در نقاشی به پایگاه بلند می‌رسد اکثر آن مناظر را با قلم سحرآمیز خود به تصویر می‌کشد و کتمان نمی‌توان کرد که دلفریبی آن منظره‌ها را همانند اصل آنها به نظر بیننده می‌رساند. درین مناظر دل‌انگیز، گاهی تصویر شیر و چرندگان و گاهی کشاورزان را در حالت کشتورزی نشان می‌دهد که بسیار جالب است.

باری سمیرمی را باید یکی از بزرگترین نقاشان عصر خود قلمداد کرد که مقامش از هیچ یک از استادان معاصر خود کمتر نیست بلکه می‌توان گفت گام‌هایی پیشتر است.

برگرفته از پیشگفتار کتاب شرح احوال و آثار سمیرمی بقلم نگارنده